

« درس دهم: دوره میانی »

1. ابن سینا در مشرق زمین و اروپا به چه القاب و عناوینی مشهور است؟

در مشرق زمین به ابوعلی سینا، ابن سینا، شیخ الرئیس و حجة الحق شهرت دارد و در اروپا و غرب او را اویسنا یا اویسن و شاهزاده اطبا می نامند.

2. زندگی نامه و شرح حال ابن سینا را به صورت مختصر بنویسید.

در سال 370 هجری در بخارا متولد شد. از کودکی قرآن و ادب آموخت و در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله ناتلی شد و از او پیشی گرفت و در سن شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود از ریاضیات، منطق، فقه و فلسفه و طب را فرا گرفت. وی به شیخ الرئیس شهرت دارد. او فلسفه مشایی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد. و آثار و تالیفات مهمی از جمله کتاب قانون و شفا را بر جای گذاشت.

3. مهم ترین کتاب ها و آثار ابن سینا و موضوعات هر کدام را بنویسید.

کتاب قانون: نوعی فرهنگ نامه پزشکی است که در سن شانزده سالگی آن را تالیف کرد.

کتاب شفا: دایرة المعارف عظیم علمی و فلسفی شامل موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. بخش الهیات شفا که در بردارنده فلسفه ابن سیناست کامل ترین مرجع حکمت مشایی است.

کتاب نجات: شکل مختصر کتاب شفاست.

کتاب انصاف: دارای بیست جزء بود که در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفت.

کتاب اشارات و تنبیهات: شامل آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت است.

دانشنامه علایی: به زبان پارسی و شامل ابواب مختلف حکمت است و برای علاء الدوله حاکم اصفهان نوشته است.

4. **طبیعت را از نظر ابن سینا تعریف کنید.** طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

5. از دیدگاه ابن سینا علت نامگذاری این عالم به طبیعت چیست؟

بدان جهت است که اجزای این عالم هرکدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم به عنوان یک کل، طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ تحولات و حرکات آن است.

6. **به نظر ابن سینا چرا عالم طبیعت نظام احسن است؟** زیرا خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تالیف شده اند که بهترین نظام ممکن یعنی نظام احسن را تحقق می بخشند.

7. به عقیده ابن سینا چه عاملی اشیاء را به سوی خیر و کمال سوق می دهد و شرط آن چیست؟

طبیعت هر شی / به شرطی که مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.

8. ابن سینا وجود شر و بدی در طبیعت را چگونه توضیح داده است؟ (نهایی دی 98)

او می گوید در یک نگاه کلی به طبیعت متوجه می شویم که تمام اموری که به ظاهر بی نظمی و شر هستند در واقع برای اعتدال طبیعت و کمال نهایی آن و در یک نظم کلی جهانی لازم و مثبت می باشد.

9. پادشاه راستین از منظر ابن سینا کیست؟ آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست و همه چیز بنده و مملوک او هستند و او به هیچ چیز محتاج نیست.

10. به نظر ابن سینا چه چیزی باعث ایجاد خشوع و خشیت در نهاد دانشمند در برابر حق می شود؟

(نهایی دی 99) او می گوید: تامل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خداوند در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها دانشمند را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آن ها می رساند و آن ها را به خشوع و خشیت در برابر حق و اوست دارد.

11. در مورد کتب ابن سینا به دو سوال زیر پاسخ دهید. (نهایی دی 98)

الف) کدام کتاب او مختصر کتاب شفا می باشد؟ (کتاب نجات)

ب) کدام کتابش شامل آخرین دیدگاه های او در حکمت است؟ (کتاب اشارات و تنبیهات)

12. مهم ترین کتاب شیخ سهروردی چیست و او کدام مکتب فلسفی را پایه گذاری کرد؟

کتاب حکمة الاشراق / حکمت اشراقی

13. حکمت اشراقی را تعریف کنید. حکمت اشراقی نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد. از دیدگاه این مکتب تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض بدون رسیدن به قلب و سیر و سلوک عارفانه بدون تربیت عقلانی بی نتیجه و گمراه کننده است.

14. فیلسوف اشراقی به چه کسی گفته می شود؟ (فیلسوف اشراقی چه ویژگی دارد؟)

فیلسوف اشراقی فیلسوفی است که می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه از طریق شهود کسب کرده را با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.

15. شیخ سهروردی چگونه حکمت اشراقی را پایه گذاری نمود؟

او با احیا فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی حکمتی نو به نام حکمت اشراقی را پایه گذاری کرد.

16. قطب الدین رازی حکمت اشراقی و اشراقی را چگونه تعریف می کند و منشا آن را در کجا می بیند؟ حکمت اشراقی حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است و اشراق نیز به معنی کشف و شهود است و این همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند. زیرا حکمت آن ها هم شهودی و کشفی بوده است.

17. از دیدگاه قطب الدین رازی علت نام گذاری مکتب فلسفی سهروردی به حکمت اشراقی چیست؟

زیرا این حکمت از ظهور و انوار عقلی و تابش آن ها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.

18. با توجه به فلسفه سهروردی مفاهیم زیر را تعریف کنید. (نهایی 98 و 99)

الف) نور الانوار: مبدأ جهان و خالق هستی و نور محض (خداوند) است که اشیای دیگر از تابش و پرتو نور او پدید آمده اند.

ب) مشرق جهان: نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده بر موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

ج) مغرب کامل: جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.

د) مغرب وسطی: در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

ه) حکیم مُتَّالِه: کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند.

19. از دیدگاه سهروردی واقعیت اشیا و موجودات و تفاوت آن ها در چیست؟

هر واقعیتی نور است اما نه نور مطلق بلکه درجه ای از نور است و تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آن هاست.

20. از منظر سهروردی وجود و حیات موجودات چگونه شکل می گیرد و رستگاری در چیست؟

ذات نخستین و نور مطلق یعنی خداوند پیوسته نور افشانی و اشراق می کند و متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه ی نور خود به آن ها حیات می بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی موهبتی از رحمت اوست / رستگاری در وصول کامل به این روشنی خداوند است.

21. سهروردی جویندگان معرفت را به چند دسته تقسیم می کند؟ چهار دسته شامل

1. آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته و جویای آن اند.

2. آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند اما از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.

3. آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلال توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهای رسیدند

4. آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند (به این ها حکیم متاله گفته می شود و بهترین گروه هستند).

22. از دیدگاه سهروردی چه کسی شایسته خلافت و ریاست تامه است و شرط مقام خلافت چیست؟

حکیمی که غرق در تالّه بوده و در بحث نیز استاد باشد شایسته ریاست و خلافت است. برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه از حق تعالی دریافت کند.

23. به نظر سهروردی چه زمانی جهان نورانی و درخشان و چه وقت تاریک و ظلمانی می گردد؟

هر گاه ریاست واقعی جهان به دست امام و حکیمی متاله باشد جهان نورانی می شود و هر گاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی بماند ظلمت و تاریکی بر آن سایه می افکند.

24. مهم ترین تفاوت حکمت اشراقی و حکمت مشایی در چیست؟

در حکمت مشایی فقط به بحث عقلی و استدلال منطقی توجه می شود و به شهود قلبی و عارفانه توجه چندانی نمی شود. اما در حکمت اشراقی هم بحث عقلی و فلسفه استدلالی و هم شهود درونی و عرفانی مورد توجه قرار می گیرد.

نکات مهم درس

1. ابن سینا در مشرق زمین به شیخ الرئیس ، حجة الحق و ابن سینا شهرت دارد و در اروپا و غرب به اویسننا، اویسن و شاهزاده اطباء مشهور است.
2. ابن سینا می گوید علم طب دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم.
3. ابن سینا می گوید هر گاه در مسئله ای حیران می ماندم با نماز و تضرع و زاری به درگاه خدا و با قرائت قرآن برایم روشن می شد و بسیاری از مسائل در خواب برایم مکشوف می گشت.
4. روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفه، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه گذاری کرده بود به اوج رساند و فلسفه مشایی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد.
5. مهم ترین آثار و تالیفات ابن سینا کتاب قانون، شفا، نجات، انصاف، اشارات و تنبیهات و دانشنامه علایی است.
6. فلسفه ابن سینا در بخش الهیات شفا آمده و این کتاب کامل ترین مرجع حکمت مشایی است .
7. از منظر ابن سینا خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تالیف شده اند که بهترین نظام ممکن یعنی نظام احسن را تحقق می بخشند.
8. به عقیده ابن سینا طبیعت هر شی آن را به سوی کمال و خیر مطلوبش سوق می دهد به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.
9. ابن سینا معتقد است آنچه در ظاهر در طبیعت شر و بدی به نظر می رسد همگی در یک نظم کلی جهانی و برای کمال نهایی طبیعت و اعتدال آن لازم است.
10. کشف ویژگی های طبیعت و روابط پدیده های آن به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود.
11. ابن سینا پادشاه راستین را خدای توانگر مطلق و بی نیاز می داند که هر چیزی از ذات او پدید آمده است.
12. به اعتقاد ابن سینا تامل فیلسوف در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها موجب رسیدن به باطن اشیاء و خشوع و خشیت الهی می شود.
13. شیخ سهرودی موسس حکمت اشراقی است و مهم ترین کتاب وی حکمة الاشراق است. او با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی حکمت اشراقی را پایه گذاری نمود.

14. حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که علاوه بر توجه به نیروی عقل و استدلال به سیر و سلوک عارفانه و قلبی توجه دارد.
15. از منظر سهروردی تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد.
16. شیخ اشراق (سهروردی) در فلسفه خود به جای مفهوم وجود از مفهوم نور استفاده می کند.
17. سهروردی مبدا جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را نور الانوار می نامد.
18. از دیدگاه سهروردی تفاوت اشیاء در شدت و ضعف نورانیت آن هاست.
19. ابن سینا می گوید: علت نامگذاری این عالم به طبیعت این است که هر جزء این عالم طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم به عنوان یک کل طبع و ذاتی دارد که منشا و مبدا حرکات و تحولات آن است.
20. در فلسفه سهروردی مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند.
21. در جغرافیای سهروردی مشرق جهان نور محض یا محل فرشتگان مقرب است و مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. مغرب وسطی میان مشرق محض و مغرب کامل قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.
22. سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند که بهترین آنان حکیم متاله است و او کسی است که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.
23. از دیدگاه سهروردی ریاست تامه و خلافت شایسته حکیم متاله است و برای مقام خلافت ضروری است که حقایق را بی واسطه از حق تعالی دریافت کند.
24. سهروردی معتقد است که امام متاله گاهی در ظاهر حاکم است و گاهی نهانی البته ریاست او با قهر و غلبه نیست. اگر ریاست جهان به دست حکیم متاله باشد جهان روشن شده و اگر جهان از حکیمی الهی خالی بماند تاریک می شود.